

مهر زخم (۳)

چون میسر نیست با من نام او
عشق بازی می‌نماید با نام او

عنوان و پدیدآورنده: کامی از نام (۳) / هیئت تحریریه مؤسسه فرهنگی-مطالعاتی شمس الشموس.

مشخصات نشر: تهران: مؤسسه فرهنگی-مطالعاتی شمس الشموس، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۲۷۹ صفحه، عکس، نمونه ۱۶،۵×۲۳،۵.

ISBN: 978-964-2910-16-8

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۰-۱۶-۸

فهرست نویسی: فیبا

موضوع: ۱- نجفی یزدی، سید محمدعلی، ۱۳۷۱-۱۳۲۶-پیام‌ها و سخنرانی‌ها. ۲- خدا-نام‌ها.

۳- God.Name ۴- خدا-صفات. ۵- God.Attributes

شناسه افزوده: هیئت تحریریه مؤسسه فرهنگی-مطالعاتی شمس الشموس.

رده‌بندی کنگ: BP ۱۵۳ / ۵ / ۱۳۹۵

رده‌بندی یویی: ۲۹۷/۳۹۲

شماره کتابخانه ملی: ۴۵۸۱-۶۹

عنوان: کامی از نام (۳)

نویسنده: هیئت تحریریه مؤسسه فرهنگی-مطالعاتی شمس الشموس

ناشر: انتشارات مؤسسه فرهنگی-مطالعاتی شمس الشموس

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۶

شمارگان: ۲۰۰۰

ISBN: 978-964-2910-16-8

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۰-۱۶-۸

قیمت: جلد معمولی ۱۴۰۰۰ ریال

تهران، خیابان شهید مطهری، خیابان میرعماد، کوچه ششم،

پلاک ۶ (نبش مفتح، روبه روی مصلی)

تلفن: ۰۹۱۰۱۹۳۲۱۱۴، ۸۶۰۳۰۹۵۱، ۸۸۴۰۶۰۵۵

مؤسسه فرهنگی-مطالعاتی شمس الشموس

دانشجویان دانشگاه‌های تهران

فهرست مطالب

۱۹	پیشگفتار
۲۱	روش شرح دقایق جوشن کبیر در این کتاب
۲۵	مختصری از شرح حال سید محمدعلی نجفی یزدی (ره)
۲۹	مقدمه
۲۹	عشق بازی می کنم با نام این
۲۹	آن الله تو لیبیک ماست
۳۱	هرکه خورد از جام عشقت قطره ای ...
۳۳	شرح اسم «یا خَیْرَ الْفَاتِحِینَ»
۳۵	یا خیر الفاتحین
۳۵	معنای فتح
۳۶	فتح قریب: مقام قلب
۳۶	فتح قریب: ورود به مقام قلب
۳۷	قلب محل تغییر حالات انسان است.
۳۷	قلب ظاهر به باطن در مقام قلب
۳۹	کلید احوالات قلب
۳۹	حال، مطلوب واقعی انسان
۳۹	عقل، کلید حالات
۴۰	عقل، خالق آدم
۴۱	حکومت انسان بر احوالات خود
۴۳	اصابع رحمان جز عقل نیست.
۴۳	حکومت اولیای خدا بر احوال خویش
	اولیای خدا نه تنها حالاتشان بلکه مرگ را هم که از محکم ترین تقدیرات است
۴۴	تحت اختیار دارند.
۴۴	انسان می تواند با اتحاد با مواضع صادرکننده حکم حاکم احوالات خویش شود.

- فتح مبین: مقام ولایت ۴۵
- فتح مبین، مقام تجلیات انوار اسماء الهی ۴۵
- کسی که برایش فتح مبین رخ می‌دهد درمی‌یابد که منشأ حالاتش تجلی انوار اسماء الهی در قلب است. ۴۵
- تابش انوار اسماء الهی از عقل ۴۶
- غفران ذنب مقدم و مؤخر، نتیجه فتح مبین ۴۶
- معنای غفران: ذنب مقدم و مؤخر از پیامبر ۴۶
- حرّ عشق و بردالیقین ۴۶
- عشق وسیله رسیدن به وصل است. ۴۷
- عقل، آفریده عشق ۴۸
- عشق مطلق، نور وجه الهی ۴۸
- عقل، آفله، لاریسی ۴۹
- خداوند در نیافتن عقل است. ۴۹
- فتح مطلق: تجلی ذات ۵۰
- فتح مطلق باب فنا است. ۵۰
- فتح مطلق ورود به توحید است. ۵۰
- فتح، مقدمه غفران ۵۱
- معنای حقیقی غفران ۵۱
- خداوند نصرت می‌دهد تا در انسان فتح وجود آید و خداوند به انسان فتح عنایت می‌کند تا باعث غفران بشود. ۵۲

شرح اسم «یا خَیر الوارِثین»

- یا خَیر الوارِثین ۵۵
- معنای نحن الوارثون ۵۷
- معنای ظلوم و جهول بودن انسان ۵۸
- مقام انسانیت: درک امانت بودن هستی خود ۵۹
- خدا، بهترین وارث ۵۹
- همه از خدا می‌گیرند نه از یکدیگر ۶۰
- چه خوش است جان سپردن اگرش تو می‌ستانی ۶۱
- راهنمایی حضرت ابراهیم (ع) با اقول و غروب در عالم ۶۲
- خیر الوارثین، استشمام رایحه توحید ۶۳
- عارف با درک خیر الوارثین راحت از وجود خودش دست می‌شوید چون می‌داند این وجود عاریتی فقط زینده خدای باقی است. ۶۳

شرح اسم «یا دافع البلیات» (۱)

- ۶۷ هستی و چه خوش هستی در وحدت یکتایی
- ۶۹ برهان امام صادق (ع) در توحید ذات
- ۶۹ نفس انسان، مثالی برای توحید
- ۷۰ منشأ کثرات عالم
- ۷۱ معنای «لا فرقَ بَینَکَ وَ بَینَها»
- ۷۲ کثرت علامت کمی است نه زیادی
- ۷۳ اندیشه‌های کودکان
- ۷۴ چرایی آشفتنی اوضاع عالم
- ۷۵ گرفتاری‌ها، بند و عذرخواهی خدا
- ۷۶ سرانجام اولیای الهی
- ۷۷ دافع البلیات، جبران خداوند
- ۷۸ تنها راه جبران با اذن جانب خداوند
- ۷۹

شرح اسم «یا دافع البلیات» (۲)

- ۸۳ نسبت انسان با بلاها و گرفتاری
- ۸۵ در سایه خیر است که شر هویدا می‌شود و از خیر نیرو می‌گیرد.
- ۸۵ رحمان و رحیم از صفات فعل خداوند است و از علم، قدرت و حکمت او نشأت می‌گیرد.
- ۸۷ ادب بنده در بلاها و گرفتاری‌ها
- ۸۷ بلاها، مقتضای هستی اجوف انسان
- ۸۹ خدا ما و موجودات را مظاهر ذلت آفریده است.
- ۹۱ بلاها، دلیلی بر ادراک هستی‌ها
- ۹۲ نحوه ادراک حقایق وجودی در انسان
- ۹۲ بلاها و گرفتاری‌ها، سازنده انسان
- ۹۳ نسبت بلا با لطافت روح
- ۹۴ دفع و رفع بلا

شرح اسم «یا غافر الخطیئات»

- ۹۹ یا غافر الخطیئات
- ۱۰۱ تقصیرها و قصورها
- ۱۰۱ انواع خطیئات
- ۱۰۲ نقص و خلأ در ذات انسان، منشأ خطای او

- ۱۰۲ صنما هیچ تو تقصیر نکردی .
- ۱۰۲ نسبت دادن حسنات به خداوند و سیئات به انسان .
- ۱۰۳ کیفیت نسبت دادن خطیئات به خداوند .
- ۱۰۳ نسبت خطیئات با قضا و قدر الهی .
- ۱۰۳ خدا خلقت شر و اجرائیش را به خود نسبت می دهد .
- ۱۰۴ شما را با خیر و شر می آزماییم .
- ۱۰۵ بیان نظرانی درباره رضا به قضا و مقضی .
- ۱۰۷ ریشه تقدیر الهی علم الهی است .
- ۱۰۷ مراحل هفت گانه تعیین اشیاء .
- ۱۰۸ این معنی جباری است .
- ۱۰۸ چگونگی بخشش خطاها و گناهان از جانب خداوند .
- ۱۱۰ سوجنات را از آن اند که مجبور شوند .
- ۱۱۰ تازیانه را عذاب و مانع به که باشد .
- ۱۱۱ میزان خوف و رجا: معای برای ایمان .
- ۱۱۳ خداوند از جهت همین است با بندگان غافل الخطایاست .
- ۱۱۳ معنای قاهریت حضرت .
- ۱۱۴ عذرخواهی خدا از برخی بندگان در دنیا .
- ۱۱۷ شرح اسم «یا مُعْطِی الْمَسْئَلَاتِ»
- ۱۱۹ چرا دعاها مستجاب نمی شوند؟
- ۱۱۹ استجاب نشدن دعا به علت وجود مانعی .
- ۱۱۹ نقض عهد با خدا .
- ۱۲۰ طلب شر به تصور خیر در دعا .
- ۱۲۱ عدم نسبت دعا با مصلحت و خاصیت و مرتبه وجودی دعا کننده .
- ۱۲۱ طلب محالات عقلی .
- ۱۲۱ قدرت بر محال عقلی سلب نمی گیرد .
- ۱۲۲ ارتباط زبان دعا و استجاب آن .
- ۱۲۲ سه زبان درخواست از خدا: زبان قال، زبان حال و زبان استعداد .
- ۱۲۳ زبان استعداد زبان اصلی ماست و خدا به آن اهمیت می دهد .
- ۱۲۶ شرط استجاب دعا: تطبیق زبان قال، زبان حال و زبان استعداد .
- ۱۲۷ سر تفاوت ها، تفاوت تقاضاها .
- ۱۲۷ عطای رب تو برای هیچ کس ممنوع و محظور نیست .
- ۱۲۸ فرق عالم و جاهل به محفوظات نیست .

راه نهایی رسیدن به آن زیبایی مطلق این است که وجودت را جز فقر و زشتی نبینی. ۱۲۹
تنها راه نجات ۱۳۰

۱۳۳ شرح اسم «یا مُنْشِی السَّحَابِ الثِّقَالِ»

هر موجود، مظهر تمام اسماء خدا ۱۳۵
تجیر، مقام نهایی انسان ۱۳۶
خیلی دور، خیلی نزدیک ۱۳۷
السحاب الثقال، مظهر قدرت الهی ۱۳۷
دید خاکی، پرده بر آیات الهی ۱۳۷
خدا، خیل وف، خدای دوردست‌ها ۱۳۸
معنای باطنی «علت العلل» فلاسفه همان «یَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ» است. ۱۴۰
خدا در هر آن جزو ایجاد و انشاء ۱۴۰
التوحید اسفط الاسافات ۱۴۱
معنای احاطه الهی ۱۴۱
درک احاطه خدا، محوالموهوم ۱۴۲
مراتب حضور قلب در معبود ۱۴۲
درک محیط بودن خدا از نوع شهودی و غنایی است. ۱۴۲
معنای توحیدی «مُنْشِی السَّحَابِ الثِّقَالِ» ۱۴۴
عرفا موجودات را مظاهر خدا می‌دانند نه معلول او. ۱۴۵

۱۴۷ شرح اسم «یا مَنْ هُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ»

معنای سریع الحساب بودن خداوند ۱۴۹
نسبت مکانیات و زمانیات به خداوند ۱۴۹
علم و رحمت، حیثیات احاطه خداوند بر موجودات ۱۴۹
سرعت حسابرسی بندگان در دار دنیا ۱۵۰
سریع الجزاء بودن خدا در این دنیا، نشانه سریع الحساب بودن او ۱۵۱
محاسبه نفس، درکی از محاسبه خداوند ۱۵۱
انسان با محاسبه خود در دنیا سریع الحساب بودن خدا را می‌فهمد. ۱۵۱
قرین بودن حساب و عمل در دنیا ۱۵۲
دل، مرز مشترک انسان با خدا ۱۵۳
دل آدمی، مرز الهی و مصدر امور ۱۵۳
تو درآ درون پرده بنگر چه خوش لقای ۱۵۴
آیات انفسی، قوی‌تر از آیات آفاقی ۱۵۵
شهود الله بدون توجه به آثار و آیات انفسی و آفاقی ۱۵۷

- ۱۵۷ باده عام از برون باده عارف از درون
- ۱۵۸ دلیل محبوب بودن خدا از خلق
- ۱۵۸ احتیاط در واکنش به حرف برخی از اولیای خدا
- ۱۵۹ رسیدن به مرز مشترک دل با خدا، دلیل شطحیات برخی عرفا
- ۱۶۱ حساب حقیقی، اتحاد با جزا
- ۱۶۲ ابتلا به عمل، بالاترین جزا
- ۱۶۲ نهایت ایمان، لیس فی الدّار غیره دیار

۱۶۷ شرح اسم «یا سامع الأصوات»

- ۱۶۹ یا، مع "أصوات"
- ۱۶۹ معنا و تفسیر عبارت «کَمِثْلِهِ»
- ۱۷۰ تنزیل صیغه جبر به تعطیلی شناخت خدا می شود.
- ۱۷۰ معنای سمیع بودن خداوند از دیدگاه متکلمین
- ۱۷۱ معنای سمیع بودن خداوند از نظر فلاسفه و حکما
- ۱۷۱ سامع بودن یک جای حضوری از خداوند است.
- ۱۷۱ یک نحوه بینایی و شنوایی خدا از طریق چشم و گوش خلق است.
- ۱۷۲ اثرات درک اسم سامع الاصوات خداوند
- ۱۷۲ درک اسم سامع الاصوات موجب می شود انسان اصوات خود را کنترل کند.
- ۱۷۳ خداوند، سامع اصوات تک تک انسان ها
- ۱۷۳ مواظبت بر «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمَدَهُ» در عبادت منظم، مؤدبانه و مؤثر می کند.
- ۱۷۳ شنوای اصلی کسی است که هیچ کس قابل مقایسه با او و درخور ملاحظه در برابر او نیست.
- ۱۷۳ اولیاء از خدا می گفتند و به خدا می گفتند.
- ۱۷۴ ملحوظ بودن سه کلمه «مِنَ اللَّهِ»، «بِاللَّهِ» و «إِلَى اللَّهِ» در سرگشایی
- ۱۷۵ ادب توحیدی با درک سامع الاصوات
- ۱۷۶ نشانه سامع الاصوات بودن خدا در خودت است.
- ۱۷۸ با درک سامع الاصوات بودن خدا، رابطه انسان با خدا و خلق درست می شود.
- ۱۷۸ موقعیت ما را سخنانمان معین می کند.
- ۱۷۸ آدمی در زیر زبان مخفی است.
- ۱۷۹ همه گوش خدایند

۱۸۳ شرح اسم «یا مَنْ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ»

- ۱۸۵ یا مَنْ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ

۱۸۵	پاداش اعمال، لازمه نیاز آدمی
۱۸۵	انسان ابتدا باید از عمل برای اجر شروع کند.
۱۸۵	دریافت مزد کار را آسان می‌کند.
۱۸۶	رابطه بین خدا و خلق نیازمندی خلق است. دعا بیان همین رابطه است.
۱۸۶	حقیقت دعا، بیان نیازمندی به خدا
۱۸۸	تفاوت کیفیت نعم دنیوی و اخروی
	نعمت‌های اخروی فقط در اسم با نعمت‌های دنیوی مشترک‌اند ولی در کیفیت و
۱۸۸	خصوصیات بسیار متفاوت‌اند.
۱۸۹	چيست دنیا از خدا غافل بدن
۱۹۰	رفاه دنیا ایای خدا را کور نمی‌کند.
۱۹۱	بعضی نموده‌ها از وی عنایت و کرم خداست که برای انسان قرار داده شده است.
	دنیا تا وقتی بدمه آخرت باشد خوب است و گرنه مانند آب زیاد که سیل می‌شود
۱۹۱	ویران‌کننده است.
۱۹۲	بهشت، نزدیک‌تر از دنیا به ما
۱۹۲	طول بهشت برای مؤمنین از همین دنیا شروع می‌شود.
۱۹۳	عبادت، مسیر استشمام بوی بهشت
۱۹۳	ثواب‌های اخروی تکوینی است نه اعتباری مانند پاداش‌های این دنیا.
۱۹۴	ثواب آخرت، حسن ثواب
۱۹۴	بهشت جسمانی است نه جسدانی
۱۹۵	در عالم آخرت، استعداد تمام موجودات بالفعل است لذا می‌توان تغییر در آن راه ندارد.
۱۹۶	هرچه عمل سخت‌تر باشد، ثوابش بیشتر است.
۱۹۷	شرح اسم «یا مَنّان»
۱۹۹	یا مَنّان
۱۹۹	مَنّت مَنّت نهم مَنّت منه تو
۱۹۹	معنای مذموم «مَنّان»
۲۰۰	نعمت و نعمت‌گیرنده برای خدا تشخیص ندارند.
۲۰۱	که مَنّت بر تو باشد جاودانه
۲۰۲	اثر عبادت: افزایش بدهکاری به خدا
۲۰۳	هرکه او بیدارتر پردردتر
۲۰۴	چگونگی جدایی ما از خدا
۲۰۵	علم حقیقی، منزل موجودات

۲۰۶	نگاه خلقی و حقّی به اسباب
۲۰۷	لا مؤثّر فی الوجود سوى الله
۲۰۸	مسبب اوست اسباب جهان را
۲۰۹	در نگاه توحیدی و حقّی، اعطا در قبال اعمال تفضل است نه جزا.
۲۱۱	یا بقیة الله

شرح اسم «یا سبحان»

۲۱۵	یا سبحان
۲۱۷	سبحان، تنزیه و تقدیس خداوند
۲۱۷	تسبیح، مرز بین توحید و شرک
۲۱۹	موجودات، تسبیح گوی حق
۲۱۹	معنای جدایی خدا از خلق
۲۲۱	تفاوت منحصراً با مخلص
۲۲۱	فقط مختارین اجراء توصیف خدا را دارند.
۲۲۲	حقیقت بی‌دینی
۲۲۳	تنزیه جاروی اعتقادات باطل است.
۲۲۴	سبحان، شناوری در بحر رحمت الهی
۲۲۵	خدا از شش جهت موجودات را کفایت می‌کند.
۲۲۶	عالم، مرکز اضطرار
۲۲۶	هرچه گفتیم جز حکایت دوست ...
۲۲۷	هرچه گفتیم جز حکایت دوست در همه احوال و احوال پشیمانیم.

شرح اسم «یا غفران»

۲۳۱	یا غفران
۲۳۳	استغفار، طلب غفران الهی
۲۳۳	که تو پرده‌پوشی و ما پرده‌در
۲۳۳	غفران به معنای ستر و پوشاندن
۲۳۴	غفران و تبعات گناه
۲۳۴	که عشق بار گران بود و من ظلوم جهول
۲۳۴	ولایت، بار امانت انسان
۲۳۵	علم به علم، بار امانت انسان
۲۳۶	چگونه بار امانت را به منزل برسانیم؟
۲۳۶	توکل و تفویض امر به خدا، راه رساندن بار امانت به سرمنز
۲۳۸	اقرار به نیستی، تنها چاره انسان

۲۳۹	ظَلَمُوا جَهْلًا، تاجی بر سر انسان
۲۴۰	ثمره بار امانت انسان، خرد و دلیل شدن مقابل خدا
۲۴۰	ولی خدا، دلیل ترین مقابل خدا
۲۴۰	شرط دریافت رحمت الهی
۲۴۰	اقرار به ذنب، وسیله غفران الهی
۲۴۱	علامت تأثیر اقرار: سبک شدن انسان
۲۴۲	معنای بخشیدن خداوند
۲۴۲	بخشش خداوند تکوینی است نه لفظی
۲۴۴	محروم ماندن از رحمت الهی، نتیجه جهل نسبت به رحمت او
۲۴۷	شرح اسم «یا من استسلم کل شیء لقدرته»
۲۴۹	یا من استسلم کل شیء لقدرته
۲۴۹	فلسفه، ابزاری برای طرح مباحث عرفانی
۲۴۹	ترکیب وجودی و ماهوی
۲۵۰	ماهیت خدا، عین وجود
۲۵۰	صفات خدا، عین ذات او
۲۵۱	ماهیت، داشتن نداشته ها
۲۵۲	ظاهر و باطن ماهیت
۲۵۲	کیفیت، خاصیت مخلوقات
۲۵۲	اصلات وجود، مبنای توحید
۲۵۳	عدم توانایی قائلین به اصلات ماهیت در تبیین خدا
۲۵۴	جدایی عقلانی وجود از ماهیت
۲۵۴	جدایی وجود از ماهیت، ملاک شرک و توحید
۲۵۵	درک درست از عالم، وابسته به بحث اصلات ماهیت یا وجود
۲۵۶	معنای تمییز خدا از خلق
۲۵۶	درخت شرک گل توحید نمی دهد
۲۵۷	تفکیک وجود از ماهیت، درک حقیقت عبودیت
۲۵۷	معنای تسلیم قدرت خدا بودن موجودات
۲۵۷	قدرت خداوند، نافذ در اشیاء
۲۵۷	همه موجودات بالاضطرار تسلیم حق اند نه بالاجبار
۲۵۸	تسلیم موجودات فوق جبر است
۲۵۹	آن کس که شما را اداره می کند حقیقت هستی خودتان است

- ۲۵۹ یار در خانه و ما گرد جهان می گردیم
- ۲۶۱ دامنه شرک خیلی وسیع است.
- ۲۶۱ صحبت ولایت صحبت خداست.

۲۶۳ فهرست منابع

۲۶۷ نمایه‌ها

www.ketab.ir

پیشگفتار

کتابی که پیش رو دارید بخش سوم شرح اسماء حسناى الهی است که از روح قدسی مردی از سلاله احمدي علیه السلام تبارش نموده است؛ عارفی که با قلبی طاهر سحرگاهان در معرض نفحات رحمانی می نشست؛ سرور تنزل اسماء الله می شد؛ آنچه را بر قلب لطیفش وارد می شد و شهود می کرد بی دریغ به طالبان حریق الهی عنایت می کرد؛ و با این بذل و بخشش ظرفی وسیع تر برای پذیرش انوار الهی تحصیل می کرد آری به حقیقت معنای این کلام حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله را با گوش هوش دریافته بود که فرمودند: «إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامٍ دَهْرَكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا.»^۱ البته اتصال به عالم اسماء الله و کسب فیض مستقیم از محضر حضرات محمدیین صلوات الله علیهم اجمعین که همان حقیقت اسماء الله اند^۲ شیوه اولیای الهی است.

آیت الله سید علی قاضی در خصوص نزول اسماء الله می فرمودند: «ثم اسماء حسنا بعد از علوم توحید از اشرف علوم است ... و نیز وارد شده است که «الْأَسْمَاءُ تُنَزَّلُ مِنَ السَّمَاءِ»^۳ علامه طباطبایی (ره) نیز می فرمودند: هنگامی که نفس به ملکاتی دست یافت که حاجب و پرده کلیات نیست، احیاناً می تواند به انوار عالم تجرد و وجود آنها که در روشنی و درخشندگی و جمال و کمال قابل اندازه گیری و مقایسه با عالم مثال نیستند اشراف و احاطه پیدا نماید.

۱- کتاب الوافی، ج ۱، ص ۵۵۲.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۱۴۴: «نَحْنُ وَ اللَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى.»

۳- عطش، ص ۳۰۳.

این اشراف نفس تکرار می‌شود تا اینکه نفس به تمام تمکن خود دست می‌یابد و آن را برای خود مقام قرار می‌دهد و درجه به درجه ترقی می‌کند تا اینکه به نشئه اسماء نائل می‌شود. این نشئه اسماء عالم محض و خالص و بحث و ناب است و سراسرش درخشندگی و فروغ است که در آن ذره‌ای تیرگی و آلودگی یافت نمی‌شود؛ پس نفس همه‌چیز را در آنجا ناب و خالص مشاهده می‌کند: علم ناب، قدرت ناب، حیات ناب، وجود و ثبوت، درخشندگی و فروغ، جمال و جلال، کمال، سعادت و عزت، سرور و قشنگی و خوش‌ترکیبی. این مشاهدات ناب ادامه دارد تا اینکه نفس به اسماء و صفات ملحق شود، سپس در ذات والای الهی محو شود و فانی گردد. در این هنگام است که به تبع غیب حق غایب می‌گردد و به فانی ذاتش فانی می‌شود و به بقاء الله که پاک و معالی از هر نقصی است باقی می‌ماند.^۱

آیت‌الله جوادی آملی درباره اهمیت معرفت به اسماء الله می‌فرماید: مقصود از معرفت خدای سبحان شناخت ذات اقدس با اسماء حسنائی وی است که برخی عظیم و بعضی اعظم‌اند. اگر اسمای الهی به حسن سناسته شود، مسئله مبدأ و معاد از یک سو و وحی و نبوت از سوی دیگر معلوم می‌گردد.^۲ عالمه طباطبایی (ره) نیز در این خصوص می‌فرماید: کتاب و سنت اسماء الهی را در تنزل وجود و اطمینان می‌داند. اگر در کتاب الهی با دقت نظر کنی، درمی‌یابی که خداوند در آیات توحید مانند یایی که در سوره رعد، حدید، حشر و غیر آن است و آیات فراوان دیگر اسماء خاص را با اسماء عام تعلیل می‌کند و درمی‌یابی که خداوند سبحان هنگام بیان آفرینش و قوام دادن به هستی و اشکال گوناگون افاضه و اعطا و نیز در مرحله بازگشت، مانند مرگ و برزخ و حشر و غیر آن، آن‌ها را با نام‌هایی که مفهوم متناسبی با هریک از این موارد دارد تعلیل می‌کند و شاید در بیش از پانصد آیه به چنین چیزی دست یابی؛ تا آنجا که در امور اعتباری مانند تکلیف کردن نیز این امر وجود دارد. و اگر در روابط میان اسماء و مادون آن دقت کنی، از ویژگی‌های اسماء به بسیاری از شئون تنزلات وجود رهنمون خواهی شد و همین‌طور بالعکس. آن‌گاه به علومی دست خواهی یافت که به اندازه نیاید، اگر از

۱- طریق عرفان، ص ۳۱.

۲- توحید در قرآن، ص ۲۵.

آنان باشی که خداوند از رحمتش دو بهره نصیبشان نموده و نوری برایشان قرار داده که با آن حرکت کنند. همچنین دعا‌های فراوانی که از پیامبر ﷺ و خاندان معصومش علیهم‌السلام به ما رسیده پر است از اسماء و صفات و در بین دعا‌های مفصل کمتر دعایی است که در آن چنین مضامینی را نیابیم.^۱

غرض از بیان مطالب فوق غنیمت‌شمردن مطالعه مطالب عرشی این عارف وارسته مرحوم سید علی نجفی است و انسان با مطالعه این بیانات گهربار می‌تواند به سیر و سفری روحانی بپردازد و دمی از کثافات این عالم تراحم بیاساید.

ساقیا بدم جام رات شراب روحانی تا دمی برآسیم زین حجاب جسمانی

دعای جوشن کبیر مدخل هزار و یک اسم مبارک است که توسط حضرت جبرئیل علیه‌السلام بر قلب عظیم حضرت رسالت‌پند محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل شده است. حضرت حق جل شأنه در دانه خلقتش را در عرصه جهاد اصغر با روشنی از اسماء خود صیانت نمود، جوشنی که حلقه‌هایش اسماء حسناى الهی است و هر اسمی که با روشنی از معارف الوهی برای سالکان طریق کوی دوست در عرصه جهاد اکبر تا تلاششان در وادی سلوک جهت پیدا کند و در وادی سیر شاهد وجه آن محبوب ازلی و ابدی در اطوار هسی در به آفاق و انفس باشند. آن کریم بنده‌نواز در ماه رمضان که ماه هم‌نشینی او با بندگانش است به هدیه‌ای از این تحفه نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را برای دوستان خود در این ضیافت و پذیرایی آسمانی پسندیده است.

روش شرح دعای جوشن کبیر در این کتاب

مرحوم ملا هادی سبزواری دعای جوشن کبیر را در کتابی به نام شرح الأسماء الحسنی شرح کرده‌اند. البته به شرح تمامی اسماء نپرداخته‌اند بلکه به صورت گزینشی بعضی از اسماء را انتخاب کرده و شرح داده‌اند. ایشان علاوه بر آنکه حکیم بوده‌اند عارف بزرگواری نیز بوده‌اند و آرامگاه مطهرشان در سبزواری است. مرحوم سید علی نجفی کتاب ایشان را مبنای شرح خود

از اسماء الله قرار داده‌اند، لیکن شرح مرحوم حاجی فقط بهانه‌ای است برای ورودشان به بحث و بقیه مطالب نتیجه جوشش چشمه‌های قلب مصفای ایشان است و شهد شهود روح قدسی خودشان. در پایان، برای تمامی طالبان طریق بندگی همچون این بزرگان شرابی از جام شهود و کامی از نام محبوب از درگاه احدیت خواستاریم.

چون میسر نیست با من کام او عشق‌بازی می‌کنم با نام او

قبل از مطالعه کتاب، لازم است نکات ذیل را به خوانندگان محترم یادآور شویم:

- ۱- این سخنرانی‌ها در فضای سیاسی-اجتماعی سال‌های ۶۷ تا ۷۱ ایراد شده است، اما مؤسسه شمس‌الموس سعی کرده است تا حد ممکن کتاب را از فضای محدود به زمانی خاص خارج کند و مواردی را که متناسب با مقتضیات آن روز جامعه بیان شده است حذف نماید تا پیوسته‌ای مطالب کتاب رعایت شود و متن آن برای هر خواننده‌ای در هر زمانی گویا باشد.
- ۲- در گزینش اسماء شرح‌شده، سعی شده است مطلبی که می‌تواند مقدمه‌ای باشد برای فهم عمیق‌تر اسماء دیگر در اوایل کتاب گنجانده شود.
- ۳- با توجه به تعداد اسماء شرح‌شده توسط مرحوم نجفی و محدودیت حجم کتاب، این مؤسسه تصمیم دارد این شروح را در چند مجلد منتشر کند. کتاب حاضر سومین جلد از این دوره است که مشتمل بر شرح سیزده اسم از اسماء الهیه می‌باشد.
- ۴- دقت و عمق این معارف حکایت از قدرت فکری و عرفانی این مرید بزرگ دارد و قوت و نورانیت بیانات ایشان تماماً مرهون معارف دریافتی از محضر قرآن و عترت است که خود با تمام وجود آن‌ها را چشیده و از آن مشرب سیراب شده بود. لذا این مؤسسه سعی کرده است تا حد ممکن منابع روایی و قرآنی سخنان ایشان را به صورت پانویست برای استفاده هرچه بیشتر خوانندگان عزیز درج نماید.
- ۵- این بزرگوار به آقای سید علی نجفی یزدی معروف‌اند و نام اصلی ایشان سید محمدعلی نجفی یزدی است. در این کتاب، از نام معروف ایشان استفاده شده است.

۶- مجموعه سخنرانی‌های ایشان را این مؤسسه با کمک فرزندان برومندشان جمع‌آوری کرده و در صدد آن است که شرح حال و نیز بیانات ارزشمند ایشان را در قالب کتب موضوعی به رشته تحریر درآورد، گرچه خود معترف است:

قلم را آن زبان نبود که سر عشق گوید باز و رای حد تقریر است شرح آرزومندی

مؤسسه فرهنگی- مطالعاتی شمس‌الشموس

بهار ۱۳۹۶

www.ketab.ir